

رویارویی شرق و غرب؛ دیواری که فرو نریخت

امروز ۲۵ سال از فروپاشی دیوار برلین که مظهر جنگ سرد و رویارویی شرق و غرب بود، می‌گذرد اما در سالگرد فروپاشی این دیوار، رویارویی میان قدرت‌های غرب و شرق جهان تنها یک گام با جنگ واقعی فاصله دارد.



امروز ۲۵ سال از فروپاشی دیوار برلین که مظهر جنگ سرد و رویارویی شرق و غرب بود، می‌گذرد اما در سالگرد فروپاشی این دیوار، رویارویی میان قدرت‌های غرب و شرق جهان تنها یک گام با جنگ واقعی فاصله دارد.

در ۹ نوامبر سال ۱۹۸۹ دیوار برلین که با شهرت به‌عنوان پرده آهنین ۲۸ سال برلین را به ۲ منطقه شرقی و غربی تقسیم می‌کرد در میان شادی مردم خراب شد اما همه کسانی که امروز در سالگرد این حادثه تاریخی به ایستگاه بازرسی چارلی که وصل‌کننده شرق و غرب بود می‌روند می‌دانند که هیچ وقت جنگ سرد تمام نشده و هنوز صدها دیوار میان دوطرف باقی‌مانده است. روسیه و چین به‌عنوان ۲ نماد شرق و آمریکا و اروپا به‌عنوان قدرت‌های غربی جهان، در ۲ جبهه سیاسی و اقتصادی رو در روی هم قرار گرفته‌اند و خیلی‌ها دیگر می‌دانند که این روزها جهان جنگ سرد جدیدی را تجربه می‌کند. خیلی از کسانی که در فروپاشی دیوار برلین نقش ایفا کرده‌اند حالا با یأس و ناامیدی از اوضاع جهان حرف می‌زنند.

میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی سابق که به‌عنوان میهمان ویژه به برلین رفته در مراسم فروپاشی دیوار درباره تنش‌های جدید میان شرق و غرب به‌ویژه بر سر مسئله اوکراین هشدار داده است. گورباچف ۸۳ ساله درحالی‌که آتش تنش‌ها میان دوطرف اوج گرفته از مقام‌های شرق و غرب خواسته است از گذشته درس بگیرند. آخرین رهبر شوروی سابق همچنین در مصاحبه با اینترفاکس گفت: ما فرصت‌هایی که پایان جنگ سرد پیش رویمان قرار داد را هدر دادیم. ابتدای آن بسیار خوب شروع شد اما برخی آن را دوست نداشتند.

گورباچف اما حتی در برلین هم از سیاست‌های ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دفاع کرد و او را حافظ منافع مردم روسیه خواند. او در مصاحبه خود تأکید کرد: باور من این است که اوکراین تنها بهانه‌ای بود که آمریکا روی آن دست بگذارد. روسیه روابط جدید را پذیرفته و ساختار جدید همکاری ایجاد کرده است. این مناسب خواهد بود اما همه در آمریکا آن را دوست ندارند. آمریکایی‌ها به شرایطی نیاز دارند که به آنها اجازه دهد تا در هر جایی مداخله کنند.

اوکراین حالا به نماد و نقطه مرکزی تقابل شرق و غرب در قالب جنگ سرد جدید تبدیل شده است اما آنهایی که دستی بر آتش سیاست دارند به خوبی می‌دانند که تقابل دوطرف در شرایط کنونی جهانی فراتر از اوکراین است. قدرت اقتصادی چین باعث شده که رویارویی‌اش با غرب تحت تأثیر مناسبات تجاری و منافع مشترک اقتصادی، کنترل شده باشد.

رابطه چین با غرب رابطه‌ای است که غربی‌ها به آن *ferenemy* یا دوست-دشمن می‌گویند. غربی‌ها با چین روابط تجاری خوبی دارند اما زیر این خاکستر آتشی همیشگی نهفته است. هر چند وقت یک‌بار مقام‌های وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) از حملات سایبری چین به ارگان‌های حساس این کشور خبر می‌دهند. جنگ سایبری میان چین و آمریکا مدت‌هاست که میان دوطرف ادامه دارد و در پس لبخندهای مقام‌های دوطرف نبرد در حوزه‌های مختلف میان دوطرف از روز هم روشن‌تر است.

علاوه بر فضای مجازی، شرق و غرب در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی هم نبردهای سختی دارند که بارها طی ماه‌های گذشته تا مرز تقابل نظامی هم پیش رفته است. تحریم‌های اخیر غرب علیه روسیه هر چند به بهانه اوکراین صورت گرفت اما نتوانست کار به جایی برسد و بیشتر به ضرر شرکت‌های اروپایی تمام شد. هیچ وقت سابقه نداشت که غرب دست به تحریم‌هایی به این وسعت علیه روسیه بزند اما هنوز با سلاح تحریم دوطرف در حال جنگ با یکدیگر هستند تا دیوار بن‌بست بیشتر از همیشه به چشم بیاید.

در اوکراین تنش‌ها میان شرق و غرب همچنان ادامه دارد. هر چند توافق آتش بس شکل گرفته اما روسیه در مقابل آمریکا و اروپا همچنان قرار دارد تا هر کسی منافع خود را در این کشور پیگیری کند. در خاورمیانه هم تقابل شرق و غرب در اوج است. تلاش آمریکا به همراه متحدانش زمانی برای تغییر رژیم در سوریه به اوج رسید تا شاید بتوانند این نقطه راهبردی برای روسیه را به زیر سلطه خود درآورند. مقاومت در سوریه اما آنقدر ادامه یافت که دیگر کسی فکر کنار رفتن بشار اسد از قدرت به فکرش هم خطور نمی‌کند. در دیگر نقاط خاورمیانه هم شرق و غرب تقابل پنهان خود را دارند تا در کشورهای مختلف این منطقه راهبردی جنگ سرد جریان داشته باشد.

خراب شدن دیوار برلین را زمانی به‌عنوان نماد پایان جنگ سرد و رویارویی ابرقدرت‌ها می‌خواندند اما اکنون اوضاع جهان میان شرق و غرب چنان پرتنش است که دیوار برلین مرتفع‌تر از همیشه دیده می‌شود. امروز بیست و پنجمین سالگرد پایان دیواری حشمت‌گفته می‌شود که هجده سال و ۳۴ قطعه‌اش، حالا در ۱۸۰۰ کیلومتر مربع، ۱۱۰۰ کیلومتر مربع و ۱۱۰۰ کیلومتر مربع پهنای خود را در کشورهای مختلف این منطقه دیوار تقابل شرق و غرب

سال ۱۹۴۵ بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، متفقین شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه و شوروی که در این جنگ به پیروزی رسیده بودند کشور آلمان را به ۴ بخش که هر کدام تحت کنترل یکی از آنها بود، تقسیم کردند. ۳ بخش تحت کنترل آمریکا، انگلیس و فرانسه پس از مدتی یکی شدند و جمهوری فدرال آلمان یا همان آلمان غربی را تشکیل دادند. با حاکم شدن مناسبات کمونیستی در آلمان شرقی شرایط اقتصادی و سیاسی آن وخیم شد که نارضایتی مردم را به دنبال داشت.

ساکنان ناراضی مخصوصاً در برلین شرقی به دنبال شرایط بهتر زندگی راه برلین غربی را در پیش گرفتند. این مسئله سرانجام باعث شد نیکیتا خروشچف، نخست‌وزیر وقت شوروی، دستور ساخت دیوار برلین را صادر کند. در سال ۱۹۸۹ و به دنبال گشوده شدن درهای مجارستان به روی غرب، تظاهرات مردم علیه دولت آلمان شرقی هم گسترش پیدا کرد. پس از مدتی دولت آلمان شرقی تصمیم گرفت به ساکنان برلین شرقی اجازه دهد تا برای سفر به برلین غربی تقاضای ویزا کنند. به همین‌خاطر ده‌ها هزار نفر از ساکنان برلین شرقی خود را به محل‌های مشخص شده رساندند تا از مرز عبور کنند. با گسترده شدن جمعیت سرانجام مأموران مرز را گشودند و با خراب شدن تدریجی این دیوار سرانجام نهم نوامبر ۱۹۸۹ به روز فروپاشی دیوار برلین تبدیل شد.